

# تحلیل جرم شناختی محتوای خشونت

## بصری رسانه و آثار آن بر مخاطبین



سحر نخجوان

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

### چکیده

امروزه رسانه های در تمامی جنبه های زندگی رسوخ کرده است و جز جدایی ناپذیر حیات بشری شده اند. رواج بیش از پیش کد گذاری ها، استفاده از رسانه های بصری و طیف گسترده مخاطبین این ضرورت را ایجاد می کند که به مطالعه محتوا و آثار خشونت بصری و تولیدات رسانه ای بپردازیم. نوآوری این پژوهش شناخت انواع محتوای خشونت بصری و شرح آثار سوء این پرخاشگری پنهان بر مخاطبین است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش گردآوری داده ها کیفی و کتابخانه ای و همچنین توصیفی می باشد. هدف از نگارش این مقاله شناسایی محتوای خشونت بار تصاویر رسانه، تحلیل جرم شناختی انتشار این تصاویر خشن است. در پاسخ به این سوال که تصاویر خشن از منظر جرم شناختی چه آثاری بر مخاطبان می گذارند با استفاده از نظریات جرم شناسی این نتیجه حاصل شد که رسانه ها می توانند آگاهی مخاطب را افزایش دهند اما در صورت گرایش مداوم به کدگذاری خشن تأثیرات عمیقی را بر مخاطب می گذارند که عمدتاً هم منفی هستند. در پاسخ به این سوال که تصاویر دارای چه نوع محتوایی خشونت آمیز تلقی می شوند، پنج دسته محتوایی شناخته و مورد بررسی قرار گرفت. نهایتاً به این نتیجه دست یافتیم که اگرچه تأثیرات مثبت و منفی رسانه توأمان اند لیکن در صورت استمرار، تنوع و افزایش شدت محتوای پرخاشگرانه نه تنها تأثیر مثبت خنثی می شود بلکه آثار منفی نیز پدید می آید.

**لغات کلیدی:** رسانه، خشونت بصری، خشونت، کدگذاری

- مفاهیم

در ابتدا برای یکسان سازی تعاریف و برداشت واحد از موضوعات به شرح دو مفهوم اساسی این پژوهش یعنی رسانه و سپس خشونت می پردازیم.

۱-۱- رسانه



ابتدا باید مفهوم و مصابوق رسانه را شناخت و سپس نقاط مثبت و منفی کارکردی آن را بیان نمود. واژه Media در زبان لاتین جمع Medium است و معنای لغوی آن، وسیله، واسطه و واسطه انتقال است که در زبان فارسی واژه رسانه را به عنوان معادل اصطلاحی آن به کار می‌بریم. این واژه در جوامع پیشرفته به رسانه‌های گروهی جامعه اشاره دارد که کار آنها رمزگزاری و انتقال پیام‌ها به یک جمعیت وسیع است. با این تعریف، رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها از مصادیق رسانه‌اند» (شاه علی، ۱۳۸۸، ص ۲). در واقع هر آنچه که کد گذاری شده باشد و مخاطب آن نا مشخص و عام تلقی بشود را می‌تواند در دسته‌ی رسانه‌های جمعی جای داد. «مجموعه موسسات مطبوعاتی، هنری، خبرگزاری، آژانس‌های عکس و عکاسی و هر گونه موسسه یا سازمانی که به کار انتشار یا انعکاس اخبار و اطلاعات اشغال داشته و مقرر اصلی آنها داخل یا خارج از کشور باشد» (رزمان، ۱۳۹۶، ص ۱). نتیجتاً هر آنچه از صوت و تصویر و متن که واسطه انتقال پیام به جمعی وسیع از طریق کد گذاری است را رسانه می‌گویند. رسانه‌های سنتی مانند عکس، فیلم و سینما، نشریات اعم از روزنامه و فصل نامه؛ برنامه‌های تلویزیونی، رادیو، تبلیغات بیل‌بورد و تلکس و همچنین رسانه‌های مدرن که چند دهه است شدیداً رواج یافته‌اند مانند شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ، وبسایت و درکل هر چیزی که در فضای مجازی و اینترنتی برای مخاطبان زیادی کد گذاری گردیده و مخابره می‌گردد. اگرچه دایره رسانه و واسطه‌های انتقال پیام بسیار فراوان است لیکن آنچه در این نوشتار مورد توجه و مطالعه است تنها رسانه‌های تصویری است. انواع رسانه امروزه گسترشی باور نکردنی داشته است و چنان با جوامع انسانی عجین شده که غیر قابل جداسازی هستند. مخاطب آن‌ها تقریباً تمامی گروه‌ها سنی، فرهنگی، زبانی و اقشار با هر نوع دید و سلیقه‌ای بوده و همگی متأثر از محتوا رسانه‌اند. روزانه میلیون‌ها عکس و فیلم در جهان اطلاعات مخابره می‌شود که هر کدام حاوی کدهای خبری گوناگونی هستند. وجود محتوا و کدهای متعدد از جمله کدهای پرخاشگرانه در رسانه، در این نوشتار کاملاً بدیهی و پذیرفته شده است. پر واضح است که انتقال پیام هم به شکل دیداری و هم شنیداری به مخاطبان صورت می‌گیرد اما بعد دیداری از این حیث قابل اهمیت

است که تنوع فراوانی دارد و در هر زاویه و مکانی و شکلی قابل تولید است. ضمن آن که همه نوع مخاطبی بدون در نظر گرفتن درجه سنی یا حتی فرهنگی مورد خطاب آن واقع می گردد.

## ۱-۲- خوشونت



خشونت چنان مفهوم گسترده و در عین حال ساده ای هست که یافتن تعریفی منطبق بر تمامی مصادیق و انواع آن میسر نیست. سازمان جهانی نفی خشونت، خشونت را چنین تعریف می نماید « رسانیدن هر نوع ضرر به دیگران را خشونت گویند. نتیجتاً خشونت نه تنها اظهار خشم و غضب بوده، بلکه مساحت وسیعی را در بر می گیرد. اساس خشونت را ضرر رسانیدن به دیگران تشکیل می دهد، خواه ضرر مادی باشد یا معنوی، جسمی باشد یا روانی. خشونت عبارت از برخورد زشت و ناسالم با طرف مقابل است که باعث ایجاد غصه، قهر و یا هرگونه ناراحتی می گردد. در حقیقت خشونت عبارت از آن نوع عمل فردی یا گروهی است که باعث صدمه فیزیکی یا روانی گردیده و به ارزش های دیگران صدمه می زند» (سایت سازمان جهانی نفی خشونت، ۲۰۱۸). به عبارتی خشونت ارتکاب هرگونه رفتار کلامی و غیر کلامی است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به قصد آزار جسمی و روانی دیگران یا بدون قصد آزاد ولی با وقوع نتیجه ی آزار انجام می شود. این مفهوم پدیده ی جدیدی نیست و تاریخ نیز همواره صحنه بروز خشونت بوده است. خشونت دارای انواع متعددی است و می توان آن را از جنبه های مختلف مادی و معنوی از قبیل نوع رفتار، تعداد مرتکبان، مجوز ارتکاب، نتیجه خشونت، قربانی خشونت و مانند آن تقسیم بندی کرد. تحقیق و تحلیل مسائل مربوط به خشونت و همچنین دستیابی به نتایج یک تحقیق واقعی و مفید از خشونت مستلزم شناخت کامل این پدیده و انواع آن و روشن شدن جلوه های مثبت و منفی آن است. «هر رفتاری که در راستای آسیب رساندن به سایرین صورت گیرد و قابل مشاهده بوده و به صورت آشکارا دیده شود. خشونت فیزیکی مستقیماً نشات گرفته از نیروی جسمانی و قدرت بدنی است که اغلب با اعمال زور توأم است. ضرب و جرح، قتل و تجاوز از جمله مصادیق خشونت فیزیکی است. در برابر این نوع از خشونت ملموس، خشونت غیر مستقیم قرار دارد که آن فعلی است که به چشم دیده نمی شود، اما اثر آن را می توان احساس نمود» (سایت سازمان جهانی نفی خشونت، ۲۰۱۸). مانند استفاده از ابزار های جنگ روانی، ترور شخصیت اجتماعی، تولیدات صوتی و سو استفاده از فضای مجازی است. این نوع خشونت اساساً روان و احساس

افراد را مورد هجومه قرار می دهد بدون آنکه بر نیروی جسمانی یا عوامل فیزیکی و قابل رویت تکیه نماید و همین امر باعث می شود که بعضاً افراد از این که بزه‌دیده خشونت فرافیزیکی می شوند آگاهی نیابند. امروزه آستانه تحمل جامعه به میزان چشمگیری نسبت به گذشته کاهش یافته است به گونه‌ای که میزان پرخاشگری و جرائم خشن روند روبه رشدی از خود نشان می‌دهد، نباید فراموش کرد که خشونت یکی از مهمترین علل ارتکاب جرم است. یک لحظه عدم کنترل خشم و غضب یک عمر ندامت و پشیمانی برای فرد در پی دارد. از این روست که در روایات دینی ما خشم را کلید همه بدی‌ها دانسته‌اند؛ چراکه انسانی که نتواند خشم خود را کنترل و مدیریت کند احتمال دارد مرتکب هر جرم و جنایتی بشود. از خفیف ترین جرائم که مانند آلودگی صوتی صورت تا شدیدترین جنایاتی که علیه حیات انسان رخ می دهد همه از مصادیق خشونت هستند. قانون کیفری اساساً برای بیان بایدها و نبایدها ایجاد شده است و رفتار یک جامعه را کنترل می نماید همچنین ضامن امنیت نیز هست. ارتکاب رفتاری که قانون را زیر پا بگذارد با پاسخ صریح قانون روبرو است. اغلب زیر پا گذاشتن بسیاری از قوانین توأم با خشونت است. نتیجتاً اگر شخصی با بروز خشونت از قانون تخطی نماید مرتکب جرم شده است و پاسخ قانونی خواهد گرفت. این سیر کوتاه باعث پیوند خشونت، قانون، جرم و مجازات است. باید بدانیم که خشونت رسانه ای مفهوم کاملاً جدید و نو است و کاملاً به صورت غیر مستقیم و در سکوت رخ می دهد. عمده ی مخاطبین از نوع و چگونگی بروز آن اطلاعی ندارد و همین امر باعث می شود که از بزه‌دیدگی خود آگاهی نیابند.

## ۲- مبانی نظری

نکته اصلی آن است که تکرار انتشار و تداوم خشونت بصری رسانه ها چه آثار سوء جرم شناختی بر مخاطبان دارد؟ در این قسمت به بیان و شرح نظریات متعدد تدورسین ها در باب آثار سوء خشونت بصری بر مخاطبین پرداخته شده است. «انتشار تصاویر خشن، بعضاً دارای جنبه های مثبت نیز می باشد که از آن جمله می توان به نظریه پالایش و هشدار رسانه کرد.» (امیری، ۱۳۹۶، ص ۴). تاثیر مثبت و آموزنده ی بسیاری از کدهای خبری را نمی توان انکار نمود و باید توجه داشت که یکی از مهم ترین ابزار های آگاهی بخش نیز همین رسانه ها اند. «همچنین قانون شناسی و کیفر شناسی از سوی مخاطب، پیشگیری از جرم و حتی کنترل اجتماعی اشاره نمود» (رزمان، ۱۳۹۶، ص ۱). اما در طرف دیگر موازنه آثار سو و منفی خشونت بصری رسانه وجود دارد و نظریات متعددی به بررسی و علت شناسی و توجیه این آثار پرداخته اند که مختصراً به آن ها اشاره می شود.

## ۲-۱- نظریه حساسیت زدایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

« بر اساس نظریه ی حساسیت زدایی، تماشای مداوم خشونت بصری منجر به کم شدن پاسخ عاطفی به خشونت پیش رو و پذیرش سطوح بالاتری از خشونت در زندگی واقعی می شود، بنابر این چنانچه مخاطبان برنامه های حاوی صحنه های خشونت آمیز را به میزان زیاد و در بازه زمانی نسبتاً طولانی مشاهده کنند، به وجود خشونت واقعی در زندگی عادت کرده و در نتیجه ارتکاب رفتار خشونت آمیز افزایش خواهد یافت» (حسینی انجدانی، ۱۳۸۷، ص ۵). به طور کلی تمامی رسانه های جمعی و گروهی دارای محتوا هستند و مخاطب را تحت تاثیر پیام خود قرار می دهند و مخاطب کاملاً ناخواسته و اتوماتیک به این پیام ها واکنش نشان می دهد. سطح و نوع این واکنش در افراد متعدد متفاوت است. لیکن شایان ذکر است که اصل حساسیت زدایی بدین امر اشاره دارد که تماشای مستمر خشونت بصری منجر به کم شدن پاسخ عاطفی به خشونت پیش رو و پذیرش سطوح بالاتری از خشونت در جریان زندگی است. کدگذاری تصاویر و بازگشایی کدها توسط مخاطب، نوعی کنش و واکنش میان رسانه و مخاطب است، مخاطب بر اساس تمامی پیام ها و کنش های منتقل شده، واکنش و پاسخ متناسب را می دهد. پر واضح است که افراد در مواجهه با خشونت و تصاویر پرخاشگرانه واکنش های متفاوتی از خود بروز می دهند از جمله می توان به حس همزاد پنداری، بروز حس پرخاش درونی، مشغولیت و دغدغه ذهنی، طرد و دوری کردن از محتوا به عنوان یک واکنش دفاعی، اضطراب شخصی، حتی دوری از اجتماع و ترس از جرم اشاره کرد. در صورت تداوم خشونت بصری تدریجاً تاب آوری یا آستانه تحمل بالا می رود، حالت خنثی و مقاوم بودن برای فرد مورد هجمه ی مداوم رخ می دهد و نتیجتاً برای کسب بازخورد از مخاطب باید سطح شدیدتری از محتوا و کدهای خشونت به وی مخابره گردد. چنانچه مخاطبان برنامه های حاوی صحنه های خشونت آمیز را به میزان زیاد و در بازه زمانی نسبتاً طولانی مشاهده کنند به وجود خشونت عادت کرده و در نتیجه رفتار خشونت آمیز افزایش خواهد یافت. افراد در برابر کدهای خشونت آمیز اولیه به عنوان محتوایی کاملاً جدید سطح خاصی از واکنش را نشان مید دهند که در اثر تداوم، روند عادی سازی برای مخاطب رخ می دهد و



واکنش اولیه را نسبت به کدگذاری های رسانه بروز نمی دهد همین امر باعث می شود رسانه برای دریافت بازخورد متناسب و فعال مخاطبین و جلب واکنش آنان از درجه خشونت بیشتری در تولید محتوا استفاده کند که در صورت تداوم باعث نابودی حساسیت اولیه و کاهش شدت این حساسیت در جامعه و میان مخاطبین می شود. باید اذعان داشت جبهه گیری در برابر تولیدات رسانه ای و محتوای بصری و حساسیت در برابر هرگونه انتشار تصاویر خشونت بار کاملاً کورکورانه است اما مرز خطر در جایی است که کدگذاری از حالت تعادل خارج شده و دچار استمرار، تنوع و افزایش شدت خشونت شود. پس می توان چنین نتیجه گرفت که وجود این سه عامل یعنی استمرار، تنوع و شدت پرخاشگری محتوای بصری باعث حساست زدایی و پذیرش خشونت از سمت مخاطبین می شود. حساسیت زدایی بدین معناست که افراد دیگر واکنش اولیه و طبیعی خود را در برابر بروز خشونت نشان نمی دهند و برای برانگیختگی حسی و واکنش عصبی نیازمند میزان کد های پرخاشگرانه بیشتر با شدت بالاتر و زمان طولانی تری هستند.

## ۲-۲- نظریه بازداری زدایی

« نظریه بازداری زدایی مطرح می کند که اگرچه افراد از اعمال خشونت نهی می گردند اما افرادی که به صورت مداوم تحت سیطره آماج خشونت بصری هستند بازداری خود را نسبت به اعمال خشونت امیز از دست می دهند و در تعامل با دیگران به راحتی و با توجه به پیش زمینه قبلی و آمادگی ذهنی به خشونت متوسل میگردند » (حسینی انجذانی، ۱۳۸۷، ص ۶). از منظر جرم شناختی باز داری افراد و کنترل خویشتن کم کم زائل می گردد و تبدیل به طنابی پوسیده و سدی سست می گردد. تکرار مدام این تصاویر نحوه ارتکاب و انگیزه مرتکبین است و انواع توجیهات را آموزش می دهد و مقاومت افراد در مقابل فرو خوردن خشم کاهش می یابد نتیجتاً قبح جرائم خشونت آمیز کاسته و نرخ ارتکابشان فزونی می یابد. مخاطبین الگوهای پرخاشگری را با تنوع بالا و به صورت مستمر مشاهده می کنند و در این میان توجیهات خرابکارانه را نیز می آموزند.

## ۲-۳- نظریه تضعیف اعتماد اجتماعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

«اعتماد افراد یک جامعه به یکدیگر زیر بنای پدید آمدن اجتماع و زندگی مسالمت آمیز است، حال وجود عنصری که به صورت مداوم بر این اعتماد بدیهی و جمعی خدشه وارد می کند، تسامح و تساهل در زندگی جمعی را نیز تحت الشعاش قرار می دهد. انتشار مداوم تصاویر بزهکاران، بزه‌دیدگان، اطفال قربانی، بلای طبیعی و صحنه های تجاوزات جنگی و اعدام در ملا عام باعث ایجاد نوعی حس عدم امنیت و اعتماد نسبت به اطرافیان و فضای پیرامون می گردد و تعادل محیط را بر هم می زند» (رزمان، ۱۳۹۶، ص ۱). انتشار اخبار از از حریم خصوصی سلبریتی ها و فضای شخصی زندگی سیاستمداران اگرچه باعث ارضا حس کنجکاوی، اقناع و افزایش آگاهی عموم می گردد اما ضربه نهایی و غیر مستقیم که به صورت ناخودآگاه برای افراد ایجاد می شود بسیار پایدار تر و شدید تر است و آن این است که حریم خصوصی هیچ فردی در امان نیست و همه بالقوه آماج حمله رسانه اند. آگاه سازی افراد توأم با تضعیف امنیت و اعتماد اجتماعی آیا سودمند است؟ با کمی اغماض می توان گفت این دو اهرم رابطه ای کاملاً معکوس با یکدیگر دارند. به همان میزان که نظریه آگاه سازی قائل به تاثیر رسانه بر افزایش آگاهی جامعه است و این امر را مثبت تلقی می کند به همان میزان نظریه تضعیف اعتماد اجتماعی این آگاه سازی را منفی و عامل شکستن امنیت اجتماعی میدانند. یعنی تأثیرات منفی آگاه کردن عموم، تأثیرات مثبت آن را اغلب خنثی می کند. تضعیف اعتماد اجتماعی و ترس از عدم امنیت کاکرد مغزی و تصمیم گیری صحیح را مختل می نماید و باعث بروز شک می شود. با توجه به آنکه فرد به صورت مداوم تحت تاثیر خشونت و آموزش پرخاش است برای ایجاد امنیت و حفظ حریم خود و به علت شک به اجتماع، نسبت به کنش های سایرین واکنش های پرخاشگرانه نشان می دهد و در افزایش آمار جرائم خشن تأثیر دارد.

## ۲-۴- نظریه واکنش های ردوکس

در واقع این واکنش‌ها از دو نیم واکنش اکسایش و کاهش تشکیل می‌گردد که جمعاً یک واکنش را ایجاد می‌کنند. کاهش به گرفتن الکترون توسط یک ماده گفته می‌شود که باعث کاهش شدن ماده می‌گردد زیرا ماده تمایل به جذب الکترون دارد. در مقابل نیم واکنش اکسایش وجود دارد که ماده الکترون از دست می‌دهد و اکسیده می‌گردد. برای بهتر فهمیدن و توجیه تاثیر خشونت بصری بر مخاطبان می‌توان از این واکنش ردوکسی استفاده نمود و آن را به جوامع انسانی تسری داد. در واقع هر شخص به صورت ذاتی دارای میزان متعادلی و نرمالی از حس خشونت می‌باشد که با توجه به شرایط و تحریکات محیطی این میزان در نوسان است. چنانچه افراد به صورت مداوم آماج خشونت بصری رسانه باشند به مرور فرایندی مشابه واکنش کاهش در آنان رخ می‌دهد، به این صورت که با تکرار و عادی شدن صحنه‌های پرخاشگرانه، قبح عمل شکسته شده و در صورت وجود شرایط مساعد، تمایل به اعمال پرخاشگرانه شدت می‌یابد و نهایتاً خشونت رخ می‌دهد. دقیقاً مشابه عمای که در نیم واکنش کاهش رخ می‌دهد و میزان بار منفی فزونی می‌یابد. در نقطه مقابل، بازهم اشخاص دارای میزان متعادل و کنترل شده‌ای از خشونت اند و چنانچه در محیطی قرار بگیرند که راه بر هر نوع هجمه و خشونت بصری رسانه، خبری، آموزشی بسته باشد و اعمال خشونت امری قبیح تلقی گردد و در بازه زمانی کوتاه به صورت مداوم مشاهده نگردد یا تصاویر متأثرکننده از بزه دیدگان، حوادث کشتار جمعی، حریم خصوصی مکرر منتشر نگردد، عملاً فرد کدهای پرخاشگرانه را دریافت نکرده است و همین امر باعث کنترل هیجانات وی گشته و میزان خشونت طلبی وی را تا حدودی کاهش می‌دهد زیرا عمدتاً فضایی برای بروز پرخاشگری باقی نمی‌ماند. این مورد دقیقاً مشابه فرایند اکسایش است که با توجه به شرایط محیطی، ماده میل به از دست دادن الکترون و نتیجتاً کاهش بار منفی دارد و با کاهش بار منفی میزان مثبت بودن بالا می‌رود.

## ۵-۲- نظریه خنثی سازی پیشگیر از جرم

«اطلاع رسانی درباره ی مشکلات پیش روی مجرمان می تواند مجرمان بالقوه را از ارتکاب جرم باز دارد زیرا رسانه در دراز مدت یک اندیشه را پایه ریزی می نماید و می تواند بر افکار زود بازده تاثیر بگذارد. همچنین از این طریق به افزایش آگاهی های عمومی می پردازد» (بیابانی، ۱۳۹۳، ص ۴). اگرچه هدف اصلی از این تولیدات رسانه و انتشار محتوا پیشگیری از جرم می باشد اما در واقعیت با نشان دادن شیوه ی ارتکاب جرم، انگیزه مرتکبین، توجیهات متعدد بزهکاران، بازسازی جزئیات و نشان دادن زوایای پنهانی وقوع جرم به همان میزان که می توانند زمینه پیشگیری از جرم را فراهم آورند به همان میزان نیز برای مجرمان بالقوه آموزنده ی طرق ارتکاب جرم است. ضمن آنکه تکرار و توصیف مکرر صحنه های پرخاشگرانه نوعی بزرگ کردن کار مجرمان و اهمیت دادن به آنان تلقی می شود. از جمله انتشار تصاویر تروریستی که به صورت ناخودآگاه باعث بزرگ پنداشتن کار آنان بوده و به شکلی غیر مستقیم نیت گروه های تروریستی را در بزرگنمایی خود، ایجاد رعب و نا امنی، بر هم زدن آرامش عمومی، مورد توجه ابعاد خبری قرار گرفتن و مطرح شدن را تحقق می بخشد. باید دانست که به همان میزان که امکان وقوع پیشگیری از جرم وجود دارد به همان میزان نیز امکان آموزش فنون مجرمانه نیز میسر است. «رسانه ها با تولید انبوه فیلم های جنایی و انتشار گسترده اخبار جرم و جنایت باعث انتقال شگرد های مجرمانه به کل مردم جامعه می گردند» (بیابانی، ۱۳۹۳، ص ۵).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶-۲- نظریه تغییر روند کیفری

انتشار اخبار و جزئیات یک پرونده جدید در دادگستری بر روند رسیدگی تأثیر دارد. رسانه‌ها با انتشار اخبار و اطلاعات مکرر و متنوع، گمانه‌زنی، فرضیه‌سازی، تجزیه و تحلیل نتیجه آراء دادگاه، اغراق در طرح ماجرا، جانب‌داری، جذاب کردن اخبار و جذب مخاطب بیشتر بر مخاطبان گسترده خود تأثیر می‌گذارند. مخاطبان نیز که مورد حمله این حجم وسیع از اطلاعات قرار می‌گیرند با رسانه‌ها همگام می‌شوند. رسانه و جامعه بر کارکرد دادگستری مانند یک اهرم فشار تأثیر می‌گذارد و یک پرونده ساده تبدیل به پرونده‌ی حساس و مهم می‌شود که نه فقط قانون بلکه رسانه‌ها و جامعه نیز آن را بسیار تحت الشعاع قرار می‌دهند. از جمله فعالیت‌های اخیر رسانه در این مورد پخش مکرر تصاویر اطفال قربانی، والدین کودکان بزه‌دیده، گزارش لحظه به لحظه فرآیند دادرسی، انتشار تصاویر محل وقوع حادثه و بسیاری موارد دیگر است. پرونده بنیتا، تجاوز به کودکان شوشتر، پرونده دختران ایرانشهر، پرونده اهورا، پرونده ستایش، و نهایتاً نگار دختر معلول کرجی نمونه‌هایی از پرونده‌هایی است که رسانه‌ای شدن در روند رسیدگی کیفری آنان تأثیر داشته و حساسیت موضوع را دوچندان کرده است. حتی اگر از لحاظ ماهوی و صدور حکم بی تأثیر باشد از لحاظ سرعت و دقت فرآیند رسیدگی و جهت‌گیری، باز فشار روانی تحمیلی به دادگاه موثر است. شایان ذکر است که مواجهه با یک پرونده با حساسیت جامعه نسبت به آن مورد خاص رابطه مستقیم دارد. نشان دادن تصویر کودکی معصوم و والدینی رنجور بر نگرش جامعه و ایجاد حساسیت نسبت به پرونده موثر است.

### ۳- محتوای تصاویر خشن

در این بخش برای شناسایی محتوای تصاویر خشن، کدهای پرخاشگرانه رسانه‌های بصری را با توجه به نوع محتوای دیداری به پنج دسته تقسیم نموده و بررسی می‌نماییم.

#### ۳-۱- انتشار تصاویر اطفال قربانی

«تا دهه هفتاد ادعا می شد هر جرمی که توأم با خشونت باشد در میان اخبار جنایی انعکاس پیدا می کند، اما در حال حاضر باید گفت جرم هایی که کودکان به عنوان بزه دیده یا بزهکار در آن سهیم اند از شانس بیشتری برای پوشش خبری برخوردارند. همچنین اطفالی که مرتکب جرم می شوند و به ویژه جرم هایی که اطفال و نوجوانان علیه یکدیگر انجام می دهند نیز مورد توجه رسانه ها قرار می گیرند و رفتار آنان به عنوان ابزاری برای سنجش میزان سلامت جامعه به کار می رود» (فرجیها، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

منظور از اطفال قربانی تمامی کودکانی است که مورد بزه واقع شده اند و همچنین کودکانی که اگرچه بزه مستقیماً روی آن ها واقع نشده لیکن نتایج ثانویه و با واسطه ی جرم گریبان گیرشان شده است مانند فرزندان زندانیان. معمولاً تصاویر این اطفال در فضای مجازی به وفور یافت می شود و اغلب هدف از انتشار آن ها جلب کمک و مساعدت برای بهبود اوضاع و شرایط کودک است. «طرفداران انتشار تصاویر این اطفال بر این باورند که انتشار این تصاویر حتی اگر موجب کمک و استمداد به کودک نگردد (که قطعاً اوضاعش بهبود می یابد)، ضرری هم به وی نمی رساند. فعالان اجتماعی اغلب مدعی هستند اطفال شخصاً از آن ها تقاضا می کنند که خبر و تصویرشان را منتشر کنند تا در بهبود اوضاعش، یا آزادی پدر و مادرش حرکت و حمایتی صورت گیرد. بدون انتشار تصویر و صحبت از آن، حقیقتاً نمی توان به کودک کمک کرد و از همکاری های اجتماعی بهره برد. این تصاویر در دنیای بزرگسالان منتشر می گردد و لطمه ای به رابطه کودک با سایر اطفال که نمی زند زیرا مخاطب این محتوا و انتشار کودکان نیستند» (سایت رسانه غیر انتفاعی الفبا، ۲۰۱۸). اگرچه توجهات بالا به نظر برای رسانه قانع کننده به نظر می رسد اما این تنها ظاهر ماجراست. هرگز به این امر توجه نمی شود که آنچه در انتشار تصاویر رخ می دهد، اغلب جلب ترحم است و کمک واقعی نیست. آنچه که در نتیجه ترحم و تنها دلسوزی و احساسات ناگهانی حاصل شود به زودی رنگ می بازد و قطع می شود. «نمونه های زیادی از نوجوانان دهه هفتاد و هشتاد هستند که اکنون از انتشار تصاویرشان ناراضی می باشند. برای کمک به کودک قربانی، راه های سالم و سودمندی وجود دارد که انتشار تصاویر شامل هیچ کدام

از این موارد نیست. به راستی آیا طرح مسئله به صورت شفاف، بیان اوضاع و احوال کودک قربانی، مشکلات و موانع پیش روی او به تنهایی کفایت نمی کند و برای جلب حمایت موسسات، جامعه و افکار عمومی انتشار تصویر الزامی است؟» (سایت رسانه غیر انتفاعی الفبا، ۲۰۱۸). اینکه تصاویر به تنهایی می توانند موجبات کمک به قربانی را فراهم آورند و دیگر نیاز به شرح واقعه نیست جای تامل دارد. به نظر می رسد حتی اگر انتشار تصاویر این افراد موجب بهبود شرایط آنان گردد لیکن موجب خدشه به احساسات جمعی می شود زیرا حتی چنانچه مروج خشونت نباشد از نتیجه ثانویه بروز خشونت و اعمال آن حکایت می کند و این خشونت بصری است. بینندگان به صورت خودکار و ناآگاهانه دچار خشونت بصری می شوند و نتیجه آن ایجاد حس ترحم و اندوه برای بیننده و ایجاد حس ترحم نسبت به کودک است. کمک به کودک ناشی از حس ترحم از آنجا که با دقت نظر در شرایط و احوال کودک نیست و به صورت احساسی و آنی صورت می گیرد و واکنشی هیجانی است چندان سودمند و پایدار نیست. بلکه اگر این مساعدت و استمداد به صورت عقلانی و طی روندی منطقی با استفاده از اطلاعات و داده های دقیق از شرایط و اوضاع کودک باشد، ولو بدون انتشار تصاویر بسیار سودمند تر و با کیفیت تر است زیرا ملاک حمایت و استمداد داده های دقیق و استفاده از ظرفیت های موجود است و فقط به پشتوانه حس ترحم و آلام شخصی صورت نگرفته است. جا دارد در این جا به قانون مطبوعات اشاره گردد. ماده ۳۰ و ۳۱ این قانون محدودیت های ویژه ای را برای مطبوعات در انتشار اخبار، تصاویر، اسرار در نظر گرفته است و صریحاً به افشای اسرار شخصی اشاره نموده است. «همچنین ماده ۱۹ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان نیز محدوده عدم فعالیت رسانه را مشخص مینماید. براساس ماده ۱۹ قانون مطبوعات هر کس هویت یا اطلاعات و اسرار طفل و نوجوان بزه دیده یا در وضعیت مخاطره آمیز را افشا و یا جزئیات جرم ارتكابی توسط طفل و نوجوان یا علیه وی را از طریق رسانه های گروهی و یا با توزیع - تکثیر - انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن تشریح نماید به گونه ای که موجب تجری دیگران - اشاعه جرم - آموزش شیوه ارتكاب آن یا بروز هر گونه ضرر یا آسیب



به طفل و نوجوان یا خانواده وی شود به مجازات حبس درجه شش محکوم می‌شود. طبق تبصره این ماده هرگاه توزیع، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن به صورت محدود و به منظور استفاده علمی یا در جهت مصالح کودک یا کمک به او باشد و همچنین سایر موارد با تشخیص قاضی از شمول این ماده مستثنی است» (سایت خبرگزاری دانشجویان ایران، ۲۰۱۸).

### ۳-۲- انتشار تصاویر گذشته شدگان



انتشار تصاویر کشته شدگان در اثر جنگ، بلایای طبیعی، حوادث تروریسمی و بسیاری موارد مشابه در هر صورت مصداق خشونت بصری است و بیننده را دچار رنج می نماید. بیننده اگرچه از خشونت بصری آگاهی ندارد اما مورد تهاجم و خشونت دیداری واقع شده و دچار تشویش، اضطراب، آلام درونی، اندوه و استیصال می گردد. همچنین خانواده و بازماندگان فوت شدگان با هر بار تماشای این محتوا دچار لطمات روحی می شوند. « نکته ای باید در انتشار محتوا خشن در نظر گرفته شود، حفظ حرمت خانواده فوت شدگان است؛ چراکه با هر بار دیدن عکس‌های عزیزانشان، آزرده‌خاطر می شوند. شاید در رسانه‌های گوناگون دنیا در انتشار تصاویر مختلف، اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد اما در انتشار تصاویر خشونت‌آمیز هیچ اختلافی وجود ندارد و بیشتر رسانه‌ها از نشان دادن این تصاویر خودداری می‌کنند. به طور مثال رسانه‌های معتبر دنیا لحظه مرگ افراد را نشان نمی‌دهند. این در واقع احترام به قربانی و بازماندگان وی است. تاکنون در فرانسه چندین حمله تروریستی توسط داعش انجام شده اما تا به حال تصاویر قربانی‌ها، مهاجمان و اجسادشان نمایش داده نشده؛ چرا که نمایش این تصاویر ممنوع است. مهم‌ترین دلیل نمایش ندادن این تصاویر اثر منفی آن‌ها روی مخاطب است. درباره قربانیان هم به دلیل احترام به فردی که از دنیا رفته، انتشار تصاویر ممنوع اعلام شده، چون رسانه‌های فرانسوی معتقدند بدون اجازه نمی‌توان عکس کسی را که از این دنیا رفته منتشر کرد. طبق این قانون، احترام به بدن انسان با مرگ او به پایان نمی‌رسد» (بنی یعقوب، ۱۳۹۶، ص ۲). انتشار عکس و فیلم‌های مختلف از مراکز درمانی، اتاق عمل و اجساد حتی تالار تشریح امروزه زیاد به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه عکس گرفتن دانشجویان در تالار تشریح با اجساد و انتشار آن واکنش‌های زیادی را دربر داشته و باعث مطرح شدن احترام به حریم بیماران و اموات شده است. اما به راستی مستند این حفظ حریم شخصی کدام ماده قانونی است. «گاهی در رسانه‌های ما انتشار این تصاویر نه عمدی که از روی بی‌دقتی و پایبند نبودن به معیارهای حرفه‌ای است. مثل انتشار تصویر اعدام در ملاء عام که از مصادیق ترویج خشونت است. چرا که انتشار این تصاویر مخاطب را به نوعی قضاوت برای محکوم کردن جانی می‌رساند که

در نهایت عادی سازی ماجرا را به دنبال دارد. در انعکاس اخبار تروریست‌ها هم همین مسأله وجود دارد. ممکن است برخی از این تصاویر برای خبرنگارها، عکاس‌ها یا پلیس‌ها عادی باشد؛ اما پخش آن‌ها برای مردم عادی و کودکان، مسئله‌ای عادی نیست. انتشار و تکرار بیش از حد تصاویر خشن نه تنها خشونت بصری تلقی می‌گردد بلکه به مرور ظرفیت خشونت جامعه را نیز بالا میبرد» (بنی یعقوب، ۱۳۹۶، ص ۲). در باب ایراد جنایت بر میت، جرم انگاری توسط قانون صورت گرفته است لیکن در باب سایر موارد متأسفانه هیچ مستند قانونی جز اینکه قطعاً هتک حرمت صورت گرفته و کسانی که اجساد را در اختیار دارند باید از این امری جلوگیری نمایند. «نشریات خارجی مثل فرانسه و انگلستان ابداً حق انتشار تصاویر اجساد را ندارند و نمونه آن واقعه تروریستی در فرانسه که کامیونی غابریل را زیر گرفت. اگرچه به صورت رسمی فیلمی منتشر نشد لیکن پلیس نیز از کسانی که فیلم تهیه کرده بودند خواستار عدم انتقال و انتشار شد. چون رسانه‌های فرانسوی معتقدند بدون اجازه نمی‌توان عکس کسی را که از این دنیا رفته منتشر کرد. طبق این قانون، احترام به بدن انسان با مرگ او به پایان نمی‌رسد» (بنی یعقوب، ۱۳۹۶، ص ۲). این در صورتی است که در حادثه تروریستی اخیر در خوزستان، طوفانی از عکس و کد های حاوی اطلاعات در فضای مجازی و رسانه‌ها سستی و مدرن صورت گرفت و حتی تا مدت‌ها بعد از وقوع حادثه همچنان ادامه داشت. با توجه به این موارد رویکرد متفاوت فرانسه و ایران را در رابطه با خشونت بصری در رسانه متوجه می‌شویم. قانون مطبوعات تنها موارد محدودی را در این رابطه جرم انگاری نموده است و ورثه قانونی حق اقامه دعوی دارند که در ماده ۳۰ و تبصره اش به شرح زیر آمده است.

« ماده ۳۰ - انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است و مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می گردد و تعقیب جرایم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله ای که باشد متوقف خواهد شد .

تبصره ۱ - در موارد فوق، شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی) می تواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده، به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید .

تبصره ۲ - هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاکی به بازماندگان وی به حساب آید، هریک از ورثه قانونی می تواند از نظر جزایی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نماید» ( قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ ).

### ۳-۳- انتشار تصاویر وقوع حوادث

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

انتشار تصاویر انواع خشونت با منشأ غیر طبیعی مانند حملات تروریستی، صحنه های جنگی و حملات نظامی، حملات حیوانات به انسان، تلفات انسانی، آتش سوزی، ریزش ساختمان، تصادفات مرگبار، حیوان آزاری، کودک آزاری و هرآنچه از این دست که وجدان جمعی را مورد هجمه قرار می دهد، مصداق خشونت بصری است. عدم انتشار این گونه اخبار و تصاویر در کشور ما نه تنها جرم انگاری نشده است بلکه حتی مورد توجه نیز واقع نگردیده است. «در ماجرای شارلی ابدو فرانسه یکی از برادران کاواشی و از مهاجمان به دفتر نشریه کشته شدند تصاویری محو از این واقعه در فرانسه منتشر شد در حالی که این تصاویر به صورت واضح در ایران پخش شد. رسانه های اروپایی قواعد سختگیرانه تری نسبت به انتشار محتوا دارند از جمله رسانه لوموند و ب اف ام تصمیم گرفته اند از انتشار محتوا تصویری عملیات تروریستی پرهیز نمایند زیرا هم از انتشار خشم نهفته در تصاویر جلوگیری به عمل آمده است و هم اینکه به یک حرکت تروریستی بها داده نشده است» (بنی یعقوب، ۱۳۹۶، ص ۳). متأسفانه در کشور ما قانون خاصی برای جلوگیری از انتشار تصاویر خشن وجود ندارد و این موضوع صرفاً به سیاست های رسانه ها بستگی دارد. رسانه ها باید شرایط مخاطبشان را در نظر بگیرند و حداقل قبل از مشاهده هر محتوایی به مخاطبشان هشدار می دهند بر خشن بودن محتوا بدهند. خبرگزاری های بین المللی معمولاً برای جلوگیری از آسیب دیدن احساسات عمومی، اجازه انتشار عکس های خیلی سیاه و خشن را به ادمین های خود نمی دهند. اگر هم قرار به انتشار این نوع عکس ها در رسانه ای باشد، مخاطب قبل از بازکردن تصویر از خشن بودن آن مطلع می شود. از آنجاکه در رسانه های ایرانی این هشدارهای قبلی وجود ندارد، باید عکس های ملایم تری روی سایت ها، خبرگزاری ها قرار بگیرد؛ اما متأسفانه توجهی به این موضوع نمی شود. همان طور که در مدیریت رسانه، به سنین مختلف توجه می کنیم، باید به تفاوت فرهنگ ها نیز در انتشار تصاویر دقت کنیم.

#### ۳-۴- انتشار تصاویر شخصی و حریم خصوصی

اگرچه عکس های شخصی و فیلم های خصوصی ذاتاً دارای جنبه های خشن نیستند و محتوای خشونت بار را ترویج یا آموزش و حتی انتقال نمی دهند اما انتشار این محتوا ها بدون اذن صاحب آن ها در واقع بروز و وقوع خشونت از سوی رسانه نسبت به صاحب تصویر است. در پی تحلیل حریم خصوصی، تجاوز به حریم خصوصی به چهار صورت است :

«۱- ورود به منافع و مصالح شخصی، شامل نام یا تصویر وی، یا اطلاعات شخصی فرد.

۲- ورود فضولی در محل خلوت یا انزوای فرد، با تجاوز به خانه و حریم خلوت افراد، شنود مکالمات و تلفن های ناخواسته، نمایش فرد در حالات نامناسب، تجسس.

۳- افشای عمومی حقایق خصوصی، شامل فعالیت هایی برای تبلیغ انتقادی این حقایق و ارائه اطلاعات شخصی با فرض اینکه حقایق کاملاً درست و صحیح است.

۴- ایجاد بد بینی در افکار عمومی شامل تبلیغاتی که فرد را در مقابل افکار عمومی خجل می سازد مانند سب. توهین. افترا» (شاه علی، ۱۳۸۸، ص ۱۲). این امر اگرچه به صورت محدود و منحصر به بعضی مصادیق است، خوشبختانه در قانون ایران جرم انگاری شده است. «در ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه ای آمده است: هرکس به وسیله سیستم های رایانه ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر و عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال، یا جزا نقدی از ۵ تا ۴۰ میلیون ریال یا هردو مجازات محکوم خواهد شد.» بنابراین فردی که دچار چنین مشکلی شد باید به دادسرا مراجعه و از فرد مورد نظر شکایت کند «سایت باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۰۱۸».

ماده ۲۸ قانون مطبوعات مقرر می دارد که : «انتشار عکس ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود» (قانون مطبوعات، ۱۳۶۴). اگرچه خوشبختانه این ماده قانونی نیز مطبوعات را محدود می نماید لیکن به نظر می رسد در اینجا آنچه اهمیت دارد محتوای و جنبه خلاف عفت عمومی است نه صرف انتشار تصویر و محتوا. « نتیجتاً اگر بخواهیم تعریفی نه چندان دقیق اما قانع کننده از خشونت رسانه ای داشته باشیم باید بگوییم : اگر خشونت را هرگونه هجمه به هنجارهای اجتماعی اعم از قانونی تعریف کنیم، کلیه فیلم ها، نمایش ها، برنامه هایی که اعمال جنایی، قتل، دزدی و به طور کلی نقض قوانین را به نمایش می گذارند و همچنین فیلم ها و برنامه هایی که با هدف به ابتذال کشیدن زندگی جوانان و القای این مطلب که ارزش گذاری برای لحظات زندگی امری بیهوده است یا به ارائه تصاویر و موضوعات سکس و هرزگی می پردازند و حتی رفتار های ناهنجاری نظیر اعتیاد به سیگار و سایر مواد مخدر تبلیغ می کنند، همگی در حوزه خشونت رسانه ای قرار می گیرند» (رزمان، ۱۳۹۶، ص ۱۲).

### ۳-۵- انتشار اسکرین شات

« از ممنوعیت انتشار اسکرین شات در دنیا می توان به نمونه های زیر اشاره نمود، قوانین اینستاگرام باز نشر محتوای صفحه شخصی دیگری را در صفحه خود مجاز نمی داند یا سایت ask mate filter بیان می دارد که اگر از پاسخ سولاتان که از نرم افزار می پرسید اسکرین شات بگیرید عملاً حقوق نرم افزار -کپی رایت را خدشه دار کرده و مجرم شناختن شما محتمل است. همچنین سایت life hacker نوشته است که ارسال اسکرین شات شخصی هم می تواند جرم محسوب گردد» (سایت نیماشفیع زاده، ۱۳۹۷).

اسکرین شات از پیامک ها، چت های خصوصی، پست های صفحات شخصی، مقالات و کتاب های الکترونیکی، عکس های خصوصی، اطلاعات مالی یا بانکی از مصادیق ممنوعیت یافته بصری تلقی می گردند.

«طبق ماده ی شانزدهم قانون جرائم رایانه ای انتشار اسکرین شات، افشای اسرار خصوصی دیگران جرم می باشد و البته اشاره نشده که اسرار خصوصی چیست اما رویه قضایی این دایره را وسعت داده و اسناد مالی و احکام دادگاه ها را نیز جز اسرار خصوصی می داند نتیجتاً اسکرین شات از هر نوع اسرار خصوصی در صورت انتشار آن جرم تلقی می گردد و مجازات آن شلاق و حبس است» (سایت نیما شفیع زاده، ۱۳۹۷).

نتیجه گیری





با توجه به وجود قطعی خشونت بصری در محتوای رسانه های دیداری و تاثیر انکار ناپذیر کدگذاری های رسانه ای در زندگی اجتماعی بدین نتیجه دست یافتیم که اولاً طبق نظریات مهمی چون بازسازی زدایی و حساسیت زدایی انتشار بیش از حد تصاویر خشونت بار اثر سوء بر مخاطبین دارد. اگرچه نمی توان از کارکرد مثبت تولیدات بصری رسانه غافل شد لیکن سه عنصر تنوع، استمرار و شدت خشونت می تواند تاثیرات منفی و صدمات روانی جبران ناپذیری بر مخاطبین بگذارد که این نتیجه بر فرض اولیه ما که همانا تاثیر منفی رواج خشونت در رسانه های بصری بر مخاطبین است، مهر تایید می زند. در بخش دوم به شناسایی محتوای تصاویر خشن فارغ از نرم افزار و نوع وسیله ی فرستنده پرداخته شد. در این بخش این نتیجه حاصل شد که محتوای اولیه تصاویر خشن مانند انتشار تصاویر قربانیان و گشته شدگان و حتی تصاویر بلایای طبیعی می تواند ذاتاً دارای ماهیت پرخاشگرانه باشند و می توانند فاقد ماهیت خشونت بار باشند اما عملاً مروج نوعی خشونت و نا امنی در جامعه باشند مانند انتشار اسکرین شات یا انتشار تصاویر شخصی و از حریم خصوصی، که در بدو امر پرخاشگرانه نیست اما با زیر پا گذاشتن حقوق و تاثیرات ثانویه ای که ایجاد می کند پرخاشگرانه به حساب آمده و جرم انگاری نیز شده اند. پر واضح است که خلأ های قانونی بسیاری وجود دارد که باید کنترل و اصلاح گردد. نتیجتاً برای پوشش این کاستی ها در قدم اول پیشنهاد می شود که فضای رقابتی و ناسالم میان رسانه های ارتباط جمعی و خبرگزاری ها مدیریت شود. فرهنگ سازی و آگاه سازی کسانی که مخاطب رسانه اند تا بدانند که از چه خروجی و محتوایی می توان استفاده نمود و کاملاً استاندارد است که این امر در واقع نوعی سواد رسانه ای هم محسوب می شود. ارزیابی و کنترل بازخورد مخاطبان موسسات خبری نیز می تواند در کنترل کیفیت کدهای خبری دیداری موثر باشد.

## منابع

### منابع فارسی

- امیری، مجتبی، پژوهشی در باب تلویزیون و خشونت از منظر کارکردگرایی ساختاری، نشریه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره سی و نهم، ۱۳۹۶
- بنی یعقوب، ترانه، بررسی تاثیر انتشار تصاویر خشن در رسانه ها، روزنامه ایران، ۱۳۹۶
- بیابانی، غلامحسین، نقش رسانه در تحریک جرم، فصل نامه کارآگاه، دوره دوم، شماره بیست و ششم، ۱۳۹۳
- حسینی انجدانی، مریم، بررسی تاثیر تماشای کارتون های خشونت آمیز بر میزان پرخاشگری نوجوانان، فصل نامه پژوهش و سنجش، شماره پانزدهم، ۱۳۸۷
- رزمان، علی (۱۳۹۶)، بررسی نقش رسانه ها در ارتکاب جرم، فصل نامه علمی حقوقی قانون یار، شماره یکم، ۱۳۹۶
- شاه علی، احمد رضا، اخلاق رسانه و حریم خصوصی - رویکردی اسلامی، نشریه رسانه، شماره هشتادم، ۱۳۸۸
- فرجیها، محمد، بازتاب رسانه ای جرم، فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره بیست و دوم، ۱۳۸۵
- قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴

### سایت های اینترنتی

- سایت باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبری ۶۰۶۴۶۰۱، ۲۰۱۸/۸/۳۰، ( [www.yjc.ir](http://www.yjc.ir) )

- سایت خبرگزاری دانشجویان ایران، کد خبری ۹۷۰۵۰۷۰۳۶۲۵، ۲۰۱۸/۱۱/۲۰،  
(www.isna.ir)

- سایت رسانه غیرانتفاعی الفبا، ۲۰۱۸/۸/۳۰، (www.alephba.org)

- سایت سازمان جهانی نفی خشونت، ۲۰۱۸/۷/۲۰، (www.freemuslim.org/fa)

- سایت نیما شفیع زاده - ۱۳۹۷/۸/۳۰، (www.nima.today)

